

برده داری نوین

دول پیشرفته اروپایی همیشه در جستجوی یافتن بازاری برای محصولات خود در خاورمیانه از جمله در ایران بوده اند که در این میان آلمان پیشتاز بوده وگویی سبقت را از سایرین ربوده هرچند که این کار با فروش مواد شیمیایی به رژیم صدام و کشتار و قتل عام هزاران زن و کودک در حلبچه بوده باشد. اینها می خواهند در این رقابت جهانی مخصوصاً با آمریکا، به هر قیمتی محصولات خود را عرضه کنند.

از لوازم آرایشی گرفته تا زیر دریایی اتمی، چه بهتر با کشوری که صاحب نفت و مقداری قدرت در منطقه باشد، پس برای تا مین منافع نامشروع سیاسی و اقتصادی خود در منطقه، هیئتهای اقتصادی خود را هر چند وقت یکبار بصورت علنی و مخفی روانه ایران کرده و قراردادهای خرید و کلان همکاری را به امضا میرسانند و در این میان آلمان برای نشان دادن حسن نیت خود در روز روشن قاتلین میکونوس را به ایران تحویل و ایران هم کم کم از آن انزوای سیاسی بیرون و با اتحادیه اروپا وارد مذاکره می شود که در این زمان باروی کار آمدن ملیجکی خندان بنام خا تمی اروپا و آلمان موقعیت را مناسب تشخیص داده و شروع به تبلیغات نمود ند که باروی کار آمدن این عروسک، «ایران با سرعت صوت به سوی دموکراسی واقعی گام بر میدارد» و درست در همین زمان هم موسسه های نریش بل وابسته به وزارت خارجه آلمان با دعوت از چند نفر از قاتلان و کاسه نیسان رژیم سعی می کنند که در این راستا وجهه قابل قبولی به رژیم و اسپرگرای ایران بدهد که بهر صورت این مورد هم ناموفق میماند، و دقیقاً در این اثنا قتلهای زنجره ای آشکار و کشتار دانشجویان اتفاق می افتد که دول اروپایی جا خورده و خود را بی تفاوت نشان میدهند، که گویی اتفاق مهمی نیافتاده است، که پشت بند آن مسایل اتمی ایران آشکار میشود و در این اوضاع و احوال انتخابات مجلس هفتم نشانه دیگری از بربریت رژیم مرتجع ایران بر حاکمان دروغین و غارتگر خود نمایان میکند، و همین دول اروپایی بودند که میخواستند رژیم مرتجع ایران را موجه قتل داد و آنرا در نظر ادنیای حکومتی دموکراتیک جلوه دهند، تا بتوانند از این طریق به اهدا ف شوم اقتصادی خود در منطقه برسند و بر این مبناست که اروپاییان به مبارزه با پناهجویان برخاسته و با دیپورت کردن پناهجویان و تحت فشار قرارداد دادن آنها میخواهند چاکری خود را به رژیمهای ضد بشری مانند ایران اعلام کنند، زیرا دولت آلمان در حال حاضر ۱۳۰۰ میلیارد دلار بدهی دارد و برای جبران این بدهی حاضر است که هیچ، کنوانسیون ژنوه مورد پناهندگی بلکه تمام قوانین بشری را زیر قوانین ضد پناهندگی خود له کند تا به اهداف اقتصادی خود برسد، که در این میان من چند سو ال از دولت مردان اروپایی و آلمانی دارم، که شما جدیداً پناهجویان را به داشتن مشکل اقتصادی در ایران متهم میکنید، که اگر اینطور هم باشد که نیست، چون اقتصاد زیر بنای سیاست است باز هم جنبه سیاسی پیدای کند، که چرامردم کشور ما با وجود منابع سرشار نفتی باید دچار بحران اقتصادی باشند، و آیا این سیاست شمانیست که بخاطر بحران اقتصادی با رژیم درند ایران کنار آمده و از نقض حقوق بشر در ایران چشم پوشیده و آنرا امن بدانید؟ آیا این سیاست نیست که شما تمام مشکلات اجتماعی خود را به گردن خارجی و پناهنده می گزارید؟ کمی چشمهایتان را باز کرده به ورزش، موسیقی و نیروی کار ساده در کشورتان نگاه کنید، بدون آنهایی که روز هم قادر به انجام این مسایل نخواهید بود و حدود دوده قبل شما به استقبال پناهنده میرفتید چگونه شده که الان یکی از وظایف مهم پلیس شما دستگیری این پناهنده گان بی پناه شده است و آیا این سیاستی نیست که جامعه آلمان و اروپا و رسانه های جمعی و مهمترین همه چپ آلمان دچار خفگی شده و سکوت ننگینی را اختیار کرده است؟ البته ناگفته نماند که همین دول پیشرفته یک زمانی برای آوردن برد گان به کشور خود مجبور بودند که

هزاران کیلومتر راه خاکی و آبی راضی کنند در حالی که امروز این برده ها با پای خود آمده و زحمت آنان را کم کرده اند و نمیدانند که برده داری بصورت کلاسیک درآمده و حتماً باید دارای تخصص و ثروت باشی و این است نظم نوین برده داری درد نیای صنعتی و تمدن !

و در آخر باید اضافه کنم که ما به اینجا نیامده ایم که دوباره مورد اذیت و شکنجه شما قرار بگیریم و به هر وسیله ممکن صدای اعتراض خود را به گوش جهانیان خواهیم رسانید و ما ایرانی بوده و هستیم و کشورمان را بیشتر از شما دوست داریم و اگر حتی از این سازمانهای به ظاهر مدافع حقوق بشر، ایران را بعنوان کشوری امن تأیید نمایند و به واقع نیز چنین باشد ما خودمان به ایران برمیگردیم و دیگر نمیخواهد شما زحمت کشیده و ما را دیپورت کنید.

پروانه حسینی پناهجو